

روش بهینه هموارسازی داده‌ها در همتراز سازی: مورد مطالعه آزمون تولیمو و آزمون‌های جامع کنکورهای آزمایشی سازمان سنجش آموزش کشور

علی مقدم زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۵

چکیده

این پژوهش با هدف یافتن بهترین روش هموارسازی داده‌ها در روش‌های مختلف همترازسازی انجام شد. به این منظور از داده‌های آزمون تولیمو و آزمون‌های جامع کنکورهای آزمایشی شرکت تعاونی سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۹۱-۹۲ استفاده شد. برای تحلیل داده‌های آزمون‌های جامع کنکورهای آزمایشی شرکت تعاونی سازمان سنجش آموزش کشور صرفاً از سؤالات مشترک دروس عمومی رشته‌های ریاضی- فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی استفاده شد. برای یافتن بهینه‌ترین روش هموارسازی داده‌ها در همترازسازی از حجم نمونه‌های مختلف و آزمون‌های با تعداد سؤالات مختلف (طول متفاوت) استفاده شد. در آزمون تولیمو از طرح همترازسازی NEAT و در آزمون‌های جامع از طرح گروه‌های همسان استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها به‌طور کلی نشان داد که برای هموارسازی داده‌ها در آزمون تولیمو، مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی - چهارگشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب شد و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم X) در سه حجم نمونه ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری مدل اول به دست آمد. به همین ترتیب، در فرم Y آزمون تولیمو در حجم نمونه ۲۰۰ و ۱۰۰۰ نفر بهترین مدل، مدل اول و در حجم نمونه ۵۰۰ نفر مدل دوم برگزیده شد. در داده‌های آزمون جامع سنجش، (هم فرم X و هم فرم Y) در حجم‌های نمونه مختلف ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری بهترین

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول amoghadamzadeh@ut.ac.ir

مدل، مدل سوم مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول) است چون مدلی که کمترین مقدار AIC را داشته باشد برازش بهتری دارد. همچنین نتایج پژوهش گویای آن است که به موازات افزایش حجم نمونه، برازش مربوط به هموارسازی کرنل نیز بهبود یافته است و بهبود هموارسازی کرنل با افزایش طول آزمون همراه بوده است.

واژگان کلیدی: همترازسازی، پس هموارسازی (PSE)، روش کرنل (KE)، آزمون تولیمو، سؤالات لنگر، نظریه کلاسیک آزمون (CTT)، Circle arc

مقدمه

نمرات حاصل از اجرای یک آزمون اغلب به‌عنوان یک قسمت از اطلاعات موردنیاز برای اخذ تصمیمات مهم درباره افراد به کار می‌روند. برخی از این تصمیمات در سطوح فردی و برخی در سطوح اجتماعی (مانند انتخاب شغل) و یا ملی (پذیرش در دانشگاه) اتخاذ می‌شوند (هومن، ۱۳۸۰؛ آناستازی و اوربینا، ۱۹۹۷)؛ اما بدون توجه به نوع تصمیمی که ممکن است گرفته شود این تصمیم باید بر مبنای صحیح‌ترین اطلاعات ممکن اتخاذ گردد، یعنی هر چه اطلاعات صحیح‌تر باشند، تصمیمات بهتری هم گرفته می‌شود. برای تصمیم‌گیری در برخی از این زمینه‌ها لازم است آزمون‌هایی در موقعیت‌های مختلف اجرا شوند. مثلاً مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها برای گزینش دانشجوی و سازمان‌های اداری و شرکت‌ها برای استخدام کارکنان موردنیاز، اقدام به برگزاری آزمون‌ها در زمان‌های مختلفی می‌نمایند، به‌طوری‌که داوطلبین می‌توانند یکی از زمان‌های تعیین شده را انتخاب و در آزمون شرکت کنند و یا در برنامه‌هایی که نیاز به سنجش اولیه و ثانویه وجود دارد و یا در برنامه‌های سنجش مستمر سالانه و نظایر این‌ها که هدف از اجرای مکرر آزمون، اندازه‌گیری صفت، ویژگی و یا مهارت خاصی است شرکت کنند. اگر مجموعه سؤالات آزمون تغییر نکند (از یک فرم آزمون استفاده شود) به علت افشای سؤالات یا تست‌آشنایی و یا تمرین و تکرار، اندازه‌های حاصل از آزمون‌های بعدی ممکن است بیشتر از اندازه‌های واقعی آزمودنی‌ها در شرایط عادی به دست آید. برای جلوگیری از این امر و حفظ امنیت سؤالات و حذف اثر تست‌آشنایی و یا تمرین و تکرار می‌توان از مجموعه

سؤالات متفاوت در هر بار اجرای آزمون استفاده نمود. به مجموعه‌ای از سؤالات که بر اساس محتوا و ویژگی‌های آماری خاص تهیه می‌شوند یک فرم از آزمون می‌گویند (میلمن و گرین^۱، ۱۹۸۹). استفاده از فرم‌های مختلف یک آزمون ایجاب می‌نماید که فرم‌ها دارای محتوا و ویژگی‌های آماری یکسان باشند تا صفت خاصی را به‌طور یکسان اندازه‌گیری نمایند (لرد، ۱۹۸۰، ترجمه دلاور و یونسی، ۱۳۹۱). بر این اساس، سازندگان و پرورش‌دهندگان آزمون‌ها از ویژگی‌های آزمون به‌عنوان خط راهنما استفاده می‌کنند تا فرم‌های آزمون از نظر محتوا و ویژگی‌های آماری تا حد ممکن شبیه هم باشند. این فرم‌ها را فرم‌های موازی یا معادل گویند.

سنجش‌های آموزشی و تربیتی غالباً در زمان‌های مختلفی اجرا می‌شوند و فرم‌های مختلف یک آزمون اغلب برای بیشینه کردن امنیت آزمون ساخته می‌شوند (تانگ و کولن^۲، ۲۰۰۵). فرم‌های مختلف آزمون در یک برنامه سنجش می‌توانند از لحاظ محتوا مشابه باشند (که معمولاً این چنین هم است) ولی سؤالات متفاوتی داشته باشند (که نوعاً هم این گونه است). با طراحی فرم‌های جایگزین می‌توان مانع این شد که آزمودنی‌ها به سؤالات یکسانی در زمان‌های مختلفی پاسخ دهند. از این طریق می‌توان مسئله نحوه ارائه سؤال^۳ را کنترل کرد، بدین صورت که آزمودنی‌ها دیگر از آن دسته سؤالات آزمون که قبلاً با آن مواجه شده‌اند آگاه نمی‌شوند. البته هنوز یک مسئله باقی می‌ماند. باینکه فرم‌های متفاوت آزمون را می‌توان در زمان‌های مختلفی مورد استفاده قرار داد، ولی دشواری این فرم‌ها ممکن است تا حدی با یکدیگر متفاوت باشد. این شرایط هم از نظر آزمودنی‌ها و هم از نظر مسئولان برگزاری آزمون، ناعادلانه است.

یکی از مسائل مهم در ادبیات مربوط به همتراز سازی، روش‌های پیش هموارسازی^۴ و روش‌های پس هموارسازی^۵ است. در روش‌های پیش هموارسازی توزیع نمرات هموار

1. Millman & Greene
2. Tong & Kolen
3. item exposure
4. Presmoothing equating
5. Postsmoothing

می‌شوند که در هموارسازی توزیع‌ها دقت در برآورد توزیع‌ها بسیار مهم است. یک ویژگی مهم که ارتباط نزدیکی با دقت دارد شاخص حفظ مشخصات توزیع (گشتاورهای درجه ۱ تا ۴) است؛ بنابراین شاخص، توزیع هموارشده حداقل برخی از همان شاخص‌های مرکزی را که در توزیع مشاهده‌شده وجود دارد دارا است. برای مثال اگر دو شاخص اصلی مانند میانگین و انحراف استاندارد در توزیع هموارشده و هموار نشده با یکدیگر برابر باشند آن‌وقت می‌گوییم روش هموارسازی مورد استفاده، دو شاخص اصلی را حفظ کرده است.

یک روش هموارسازی از یک مدل لگاریتم خطی چندجمله‌ای برای هموار کردن توزیع‌های نمرات استفاده می‌کند. روش دوم نیز مدل قوی نمره واقعی است. در این روش یک توزیع به صورت توزیع نمرات واقعی درمی‌آید و خطای نمره واقعی محاسبه می‌گردد. در هر دو روش بعد از هموار کردن توزیع‌ها نمرات واقعی درمی‌آید و خطای نمره واقعی محاسبه می‌شود. در هر دو روش بعد از هموار کردن توزیع‌ها نمرات فرم X و Y با یکدیگر همتراز می‌شوند. (کولن و برنان، ۲۰۰۴).

فرایند پس هموارسازی، فرایند عبور دادن یک خط مستقیم یا منحنی از بین نقاطی است که روابط همترازسازی هم صدک بین آن‌ها برقرار گردیده است. در واقع در این روش‌ها معادل‌های هم صدک مورد هموارسازی قرار می‌گیرند. کار همترازسازی هم صدک با در دست داشتن جداولی که در هر یک فراوانی نمرات برای آزمودنی‌های هر دو گروه ذکر شده‌اند شروع می‌شود و در نهایت با به دست دادن یک جدول که در آن نمرات معادل هر فرم آزمون در فرم دیگر قید گردیده به پایان می‌رسد. لازم به ذکر است نمرات معادل معمولاً نمرات اعشاری هستند حتی اگر نمرات اصلی عدد صحیح باشند. کولن و برنان (۲۰۰۴) به توصیف چند روش پس هموارسازی پرداخته‌اند. همچنین فربنک (۱۹۸۷) به هفت روش پس هموارسازی از جمله لگاریتم خطی، رگرسیون با جملات درجه چهارم و درجه سوم و ... اشاره نموده است (کولن و برنان، ۲۰۰۴؛ فربنک، ۱۹۸۷).

اگرچه با اینکه روش‌های قبل از هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای^۱ و روش قبل از هموارسازی spline درجه سوم^۲ در مطالعات بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است (کوی‌ای، ۲۰۰۶؛ کوی‌ای و کولن^۳، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹؛ فرینک^۴، ۱۹۸۷؛ هانسون، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶؛ هانسون، زنگک و کولتون^۵، ۱۹۹۴؛ هال‌اند و تایر، ۱۹۸۱، ۲۰۰۰؛ کولن، ۱۹۸۴، ۱۹۹۱؛ کولن و جارجورا^۶، ۱۹۸۷؛ لیوینگستون، ۱۹۹۳؛ موزس و هال‌اند^۷، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹a، ۲۰۱۰، موزس و ون داویر، ۲۰۰۶، زنگک، ۱۹۹۵)، ولی هیچ‌کدام در این پژوهش مرور نشده و مورد توجه نبوده‌اند. در روش قبل از هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای، تنها مطالعات درباره روش قبل از هموارسازی لگاریتم خطی تک متغیری مرور شده است. به علاوه، برای هر دو روش قبل از هموارسازی، تنها پیشینه‌ای مورد نظر بوده است که نتایج هموارسازی با پارامترهای هموارسازی متفاوت را مقایسه کرده‌اند.

هانسون (۱۹۹۰) سه روش پیش هموارسازی، یعنی روش کرنل، روش پیش هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای (هابرمن، ۱۹۷۴b) و روش دوجمله‌ای بتا ۴ پارامتری^۸ (لرد، ۱۹۶۵) را به‌طور مفصل معرفی کرد. وی اثربخشی این سه روش را در برآورد توزیع‌های جامعه بر اساس تعداد زیادی از داده‌های مشاهده‌شده با توجه به سه آزمون که اولی شامل ۵۹ سؤال چندگزینه‌ای بود که نسخه موازی و کوچک‌تر یک آزمون کامل ۲۰۰ سؤالی است، یک آزمون ریاضی ۴۰ سؤالی مربوط به سنجش دانشکده‌های امریکا^۹ و یک آزمون علوم اجتماعی^{۱۰} ۵۲ سؤالی مورد مقایسه قرار داد. در روش پیش هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای، مقادیر C در دامنه ۱۰-۱ مورد بررسی قرار گرفت و کمترین مقدار C که توسط روش هابرمن (۱۹۷۴b) رد نشده بود

1. polynomial loglinear presmoothing
2. cubic spline postsmoothing
3. Cui & Kolen
4. Fairbank
5. Hanson, Zeng, & Colton
6. Kolen & Jarjoura
7. Moses & Holland
8. the 4-parameter beta binomial method
9. American College Testing (ACT) Assessment Mathematics test
10. ACT Assessment Social Science test

مورد استفاده قرار گرفت. تعداد آزمودنی‌هایی که در هر آزمون شرکت کرده بودند به ترتیب برابر با ۳۹۱۴۹۲۳۰۰۶۵ و ۲۳۰۰۶۵ نفر بود. هر سه توزیع فراوانی مشاهده شده به اندازه کافی هموار شده بودند و به نظر می‌رسید که توزیع‌های جامعه باشند. ۵۰۰ نمونه با حجم‌های ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰ و ۵۰۰۰ نفری به‌طور تصادفی از هر توزیع جامعه انتخاب شدند. در هر نمونه، روش کرنل متغیر، روش کرنل ثابت، روش دوجمله‌ای بتای ۴ پارامتری، و روش پیش هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای برای برآورد توزیع‌های جامعه بکار گرفته شدند. پژوهش هانسون (۱۹۹۰) گویای آن است که تمامی روش‌های هموارسازی برآورد توزیع‌های جامعه را برحسب واریانس و میانگین مربع خطا برای تمامی آزمون‌ها و تمامی نمونه‌ها با حجم‌های متفاوت بهبود می‌بخشند، البته دقت روش دوجمله‌ای بتای ۴ پارامتری از سایر روش‌ها بیشتر است به‌ویژه زمانی که حجم نمونه‌ها کمتر از ۲۰۰۰ نفر باشد. در تمامی این سه توزیع جامعه، تمامی روش‌های هموارسازی واریانس را به‌طور معناداری کاهش دادند و اندکی سوگیری بیشتری را معرفی کردند. بر اساس نتایج، مدل لگاریتم خطی چندجمله‌ای، کمترین مقدار سوگیری به‌جز برای آزمون ریاضی در نمونه‌های با حجم کوچک‌تر (۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری) را دارد. هانسون (۱۹۹۰) همچنین پیشنهاد کرده است که نمودارهای توزیع‌های نمرات خام و نمرات برازش یافته و آماره‌ی کلی نیکویی برازش‌خیز دو باید در عمل برای انتخاب پارامتر C در روش پیش هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای مورد بررسی قرار گیرند.

کولن (۱۹۹۱) همچنین به بررسی این موضوع پرداخت که عملکرد سه روش پیش هموارسازی، یعنی روش کرنل دوجمله‌ای، روش نمره واقعی قوی^۱ و روش پیش هموارسازی لگاریتم خطی چندجمله‌ای در هموارسازی توزیع‌های نمره مشاهده شده بر اساس آزمون ریاضی ۴۰ سؤالی (۱۹۸۸) با ۳۰۳۹ آزمودنی چگونه است. توضیح هر روش هموارسازی و انتخاب پارامترهای هموارسازی (h برای روش کرنل و C برای روش لگاریتم خطی چندجمله‌ای) بر اساس بررسی تصویری توزیع‌های نمره خام و هموار شده و

گشتاورهای توزیع‌ها همچنین مورد بررسی قرار گرفت. در روش کرنل دوجمله‌ای، هرچه پارامتر هموارسازی (h) افزایش یابد گشتاورها و نمودارهای توزیع‌های برآزش یافته از توزیع نمونه مشاهده شده فاصله بیشتری می‌گیرند. کولن (۱۹۹۱) تأکید کرده است که باید به روش کرنل توجه ویژه‌ای شود چون یک مقدار بزرگ h می‌تواند منجر به افزایش انحراف استاندارد و دنباله‌های طولانی توزیع هموار شده شوند.

پژوهشی که توسط گادفری^۱ (۲۰۰۷) در دو بخش انجام شده است به ۱) تأثیر انتخاب مدل لگاریتم خطی^۲ در قبل از هموارسازی توزیع‌های نمره مشاهده شده^۳ در روش کرنل همترازسازی آزمون^۴ و ۲) تفاوت‌های بین همترازسازی کرنل، همترازسازی هم صدک رشته‌ای^۵ و روش‌های نمره واقعی یعنی مدرج سازی همزمان^۶ و روش تبدیل استاکینگ و لرد^۷ پرداخته است. برای اینکه بتوان با شرایط واقعی رقابت کرد داده‌ها به نحوی شبیه‌سازی شدند که در آن دشواری آزمون متفاوت است، حجم نمونه متغیر است، طول آزمون لنگر متفاوت است و دامنه تغییر طول آزمون بین ۲۰ سؤال تا ۱۰۰ سؤال است. دشواری سؤالات لنگر ثابت نگه داشته شد/فرض شد. چون داده‌ها در فرمت یک گروهی^۸ (SG) شبیه‌سازی شدند، همترازسازی هم صدک غیر هموار متداول^۹ سنتی به عنوان یک ملاک استفاده شد که از آن طریق تمامی روش‌های دیگر که از طرح گروه‌های غیر معادل با یک آزمون لنگر^{۱۰} (NEAT) استفاده می‌کنند را بتوان مورد مقایسه قرار داد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ICEDOG (ETS، ۲۰۰۷) شبیه‌سازی شدند و با استفاده از نرم‌افزار KE (ETS، ۲۰۰۷)، MULTILOG (تیسسن^{۱۱}، ۲۰۰۳)، ICEDOG (ETS، ۲۰۰۷)، PARSCALE

1. Godfrey
2. loglinear model
3. presmoothing observed score distributions
4. kernel method of test equating
5. chained equipercentile equating
6. concurrent calibration
7. Stocking and Lord's transformation
8. single group (SG) format
9. unsmoothed equipercentile equating
10. non-equivalent groups with an anchor test design (NEAT)
11. Thissen

(موراکی و باک، ۲۰۰۳) و یک سری کدهای برنامه‌نویسی فرترن نوشته‌شده توسط محقق مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاکی از این است که تکنیک همترازسازی انتخابی بر نمرات آزمون آزمودنی‌ها در شرایط واقعی مختلف تأثیر دارد.

با توجه به آنچه بیان شد مهم‌ترین هدف کاربردی این پژوهش، استفاده از نتایج آن در همترازسازی نمرات آزمون‌های تولیمو و آزمون‌های جامع کنکورهای آزمایشی شرکت تعاونی سازمان سنجش آموزش کشور است. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر مدل لگاریتم خطی (برای مرحله پیش هموارسازی) بر توزیع نمرات بوده است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش این بوده که بهترین مدل لگاریتم خطی برای هموار کردن داده‌ها در همترازسازی در نمونه‌هایی با حجم‌های متفاوت کدام است؟

روش پژوهش

در حوزه روش‌شناسی پژوهش، محققان در شرایط نسبتاً برابر ترجیح می‌دهند به‌جای داده‌های شبیه‌سازی‌شده از داده‌های واقعی استفاده کنند. از این رو در این پژوهش سعی شده است که از داده‌های واقعی مربوط به اجرای آزمون‌های تولیمو و آزمون‌های جامع کنکورهای آزمایشی سازمان سنجش استفاده شود. با این اطلاعات درباره رتبه و وضعیت داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون زبان تولیمو و منتخبی از دروس آزمون‌های جامع کنکورهای آزمایشی سازمان سنجش تصمیماتی اتخاذ شده است. نظر به اینکه در این پژوهش محقق در پی مقایسه رویکردهای مختلف در همترازسازی نتایج حاصل از اجرای فرم‌های مختلف آزمون، به دست آوردن برآوردهای باثبات‌تر پارامترها (اعم از پارامترهای سؤال و توانایی آزمودنی‌ها) و افزایش اعتبار تصمیم‌ها و دقت اندازه‌گیری خواهد بود، لذا روش این پژوهش به‌طور عام جزو پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی و غیر تاریخی) است. پژوهش‌های توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های موردبررسی است؛ اجرای پژوهش توصیفی می‌تواند صرفاً برای

شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد (سرمد، بازرگان، و حجازی، ۱۳۸۴). روش پژوهش حاضر از حیث نوع تجزیه و تحلیل‌های آماری و سنجشی جزو تحقیقات همبستگی (که خود زیرمجموعه روش پژوهش توصیفی قرار می‌گیرد) است. در واقع، چون در پژوهش حاضر با تحلیل‌های چند متغیری مواجهیم از مجموعه همبستگی‌های دو متغیری که ماتریس همبستگی یا ماتریس کوواریانس را می‌سازد استفاده می‌شود؛ بنابراین روش این پژوهش را می‌توان جزو تحقیقات همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کوواریانس دانست.

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، از اطلاعات واقعی به دست آمده از اجرای آزمون تولیمو (۱۳۹۲-۱۳۹۱) و داده‌های آزمون‌های جامع کنکور آزمایشی (دروس عمومی مشترک رشته‌های ریاضی، تجربی و علوم انسانی) استفاده شده است. بدین ترتیب، جامعه آماری و گروه نمونه پژوهش حاضر، جامعه آماری و گروه نمونه شرکت‌کننده در آزمون‌های مذکور می‌شود که در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ به اجرا درآمده است. لازم به ذکر است که در نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه آزمودنی‌ها برای تحلیل‌های مورد نظر باید توجه داشت که نظریه‌های روان‌سنجی، نظریه‌های نمونه‌های بزرگ^۱ هستند، و جهت برآورد باثبات پارامترها، باید نمونه‌ای با حجم بالا انتخاب گردد. البته با توجه به اینکه حجم نمونه یکی از متغیرهای مهم در دقت نتایج همترازسازی است، در این پژوهش نمونه‌های ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری به‌طور کاملاً تصادفی از مجموعه داده‌های آزمون‌های تولیمو و آزمون‌های جامع کنکور آزمایشی سازمان سنجش انتخاب و سپس پارامترها برآورد شده است.

داده‌های این پژوهش از طریق آزمون‌های سراسری که توسط سازمان سنجش آموزش کشور در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ اجرا شده‌اند به دست آمده‌اند. به‌طور دقیق از داده‌های حاصل از آزمون تولیمو در سال ۹۲-۹۱ و داده‌های آزمون‌های جامع کنکور آزمایشی در سال ۹۲-۹۱ استفاده شده است.

1. Large Sample Theory

الف) آزمون تولیمو. هدف از برگزاری آزمون TOLIMO سنجش توانش زبانی افرادی است که زبان مادری آنان زبان انگلیسی نیست. نمرات حاصل از این آزمون را می‌توان برای مقاصد زیر مورداستفاده قرار داد: ۱- پذیرش دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی به‌ویژه کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مختلف دانشگاهی؛ ۲- اعطای بورس تحصیلی و یا شرط استخدام قابل‌استفاده توسط مؤسسات، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی. آزمون TOLIMO هر ساله چندین نوبت به‌طور منظم در سطح کشور برگزار می‌شود و کلیه افراد بدون توجه به سن، جنسیت، قومیت یا ملیت می‌توانند در آن شرکت کنند. این آزمون که توسط کارشناسان سازمان در دفتر آزمون‌سازی تهیه می‌شود شامل سه بخش است که در جدول ۱-۳ ساختار کلی آزمون TOLIMO نشان داده شده است.

جدول ۱. ساختار آزمون TOLIMO

بخش‌های آزمون	هدف	بخش	تعداد سؤال
۱- دستور و نگارش مجموع سؤالات = ۴۰ زمان = ۳۰ دقیقه	سنجش توانایی داوطلبان در انتخاب ساختارهای درست زبان انگلیسی	قسمت A - یافتن پاسخ صحیح قسمت B - یافتن گزینه غلط	۱۵ ۲۵
۲- خواندن و درک مطلب زمان = ۵۵ دقیقه	سنجش توانایی داوطلبان در خواندن و درک صحیح متون علمی در موضوعات گوناگون. سؤالات مربوط به هر متن دقیقاً اجزای مختلف مهارت خواندن از جمله یافتن موضوع اصلی مورد بحث متن، استنتاج، حدس معانی کلمات مشکل به کمک بافت کلامی موجود و غیره را مورد سنجش قرار می‌دهد.	۵ یا ۶ متن آکادمیک	۵۰
۳- درک شنیداری (مجموع سؤالات = ۵۰) زمان = ۳۵ دقیقه	سنجش توانایی داوطلبان در زمینه درک شفاهی مکالمات روزمره و آکادمیک و نیز سخنرانی‌های کلاسی و دانشگاهی	قسمت A - مکالمات کوتاه قسمت B - مکالمات طولانی تر قسمت C - سخنرانی‌ها	۳۰ ۸ یا ۷ یا ۱۳ ۱۲

بعد از آنکه نمره خام هر داوطلب در هر یک از بخش‌های آزمون مشخص گردید هر یک از آن‌ها به نمره‌ای تراز که برای تمامی بخش‌های آزمون بین ۲۸ تا ۶۸ است تبدیل

می‌گردد. سپس سه نمره تراز با یکدیگر جمع و حاصل جمع در عدد ۱۰ ضرب و مجموع حاصل تقسیم بر عدد ۳ می‌شود. نمره به دست آمده نمره کل هر داوطلب محسوب می‌گردد. نمره کل هر داوطلب بین ۲۰۰ تا ۶۷۷ متغیر است. نمره مطلوب در آزمون TOLIMO از طرف دفتر آزمون‌سازی سازمان سنجش آموزش کشور تعریف نمی‌شود بلکه دانشگاه‌ها، ادارات، مؤسسات و غیره هستند که بر حسب انتظارات خود حد نمره مطلوب را مشخص می‌سازند. ولی به طول کلی نمره زیر ۴۰۰ ضعیف ارزیابی می‌گردد و اکثر دانشگاه‌های انگلیسی‌زبان برای پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی حداقل نمره ۵۵۰ را ملاک قرار می‌دهند. این دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری عموماً نمره‌ای برابر یا بالاتر از ۶۰۰ می‌خواهند. برای هر داوطلب با توجه به نمرات اکتسابی در هر بخش آزمون و نمره کل، رتبه صدکی خاصی گزارش می‌شود. رتبه صدکی جایگاه نمره دریافتی هر داوطلب را در مقایسه با نمرات اخذ شده توسط سایر داوطلبان مشخص می‌سازد.

ب) آزمون‌های آزمایشی جامع شرکت تعاونی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور. شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور با بررسی‌های کارشناسی مجموعه آزمون‌های آزمایشی را در نوبت طراحی نموده است. شش نوبت از آزمون‌های آزمایشی به صورت مرحله‌ای و سه نوبت آزمون جامع برگزار خواهد شد تا داوطلبان شرکت کننده در آزمون‌های مرحله‌ای و جامع، با ارزیابی کاملاً علمی و استاندارد، از وضعیت علمی و تحصیلی خود شناخت پیدا کرده و در هر مرحله از آزمون‌ها نسبت به رفع مشکلات تحصیلی خود اقدام نمایند. دانش‌آموزان پس از اتمام آزمون‌های مرحله‌ای، با شرکت در سه نوبت آزمون‌های آزمایشی جامع و حضور در جلسات مشابه آزمون سراسری و پاسخگویی به سؤالات استاندارد و همتراز با آزمون سراسری سال ۱۳۹۲، آمادگی خود را روزبه‌روز افزایش داده و موقعیت علمی و تحصیلی خود را در سه نوبت تا قبل از برگزاری آزمون سراسری سال ۱۳۹۲، به‌طور جدی محک می‌زنند.

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزارهای کامپیوتری EXCEL، SPSS، و R، KE (چن و همکاران^۱، ۲۰۰۷) استفاده شده است. این پژوهش معطوف به سؤالات و آزمون‌هایی است که به صورت دو ارزشی نمره‌گذاری شده و روش‌های همترازسازی کرنل و همترازسازی نمره مشاهده شده در آن مورد توجه است. برای انجام روش همترازسازی کرنل از نرم‌افزار KE 3.0 (چن و همکاران، ۲۰۰۷) استفاده شده است. چون در همترازسازی کرنل غالباً نوع مدل انتخابی برای پیش هموارسازی که برای داده‌های مورد تحلیل بهترین برازش را داشته باشد نامعلوم است (ساده‌ترین مدلی که با توزیع برازش داشته باشد)، سعی شده تا با استفاده از ملاک آگاهی آکائیک^۲ (AIC)، خی‌دوی پیرسون، و مقدار شاخص Residual مدل بهینه انتخاب شود. آماره خی‌دوی نشان می‌دهد که کدام مدل با توزیع داده‌های خام برازش دارد. پس از آن توزیع دو متغیری هموار شده در نرم‌افزار همترازسازی کرنل (ETS، ۲۰۰۷) وارد شد و داده‌ها همتراز شدند. برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه "بهترین مدل لگاریتم خطی برای هموار کردن داده‌ها در همترازسازی در نمونه‌هایی با حجم‌های متفاوت کدام است؟" ابتدا نتایج مربوط به آزمون تولیمو و سپس نتایج مربوط به آزمون جامع سنجش ارائه شده است. **الف) آزمون تولیمو.** برای پاسخگویی به سؤال پژوهش در داده‌های آزمون تولیمو مدل‌های لگاریتم خطی برای طرح گروه‌های ناهمسان با آزمون لنگر (داده‌های تولیمو) انتخاب و استفاده شد. این مدل‌ها شامل سه مدل به شرح زیر بوده است:

مدل اول: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهارگشتاور اول) هم برای آزمون و هم برای لنگر

1. Chen et al.
2. Akaike Information Criterion

مدل دوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول) برای آزمون و لنگر و فرض تعامل بین میانگین‌های آزمون و لنگر و تعامل بین واریانس‌های آزمون و لنگر

مدل سوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول) برای آزمون و لنگر و تمام تعامل‌های ممکن بین میانگین و واریانس آزمون و لنگر (در این مدل بین میانگین‌ها و واریانس‌ها هم تعامل وجود دارد).

آزمون X و Y: این داده‌ها به دلیل وجود آزمون لنگر دارای توزیع فراوانی دو متغیری هستند که امکان رسم نمودار مثل طرح گروه‌های یکسان را ندارد، بنابراین در ادامه فقط شاخص‌های برازش گزارش شده است. در ادامه شاخص‌های برازش مربوط به مدل‌های مختلف در آزمون تولیمو فرم‌های X و Y برای حجم نمونه ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری گزارش شده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش سه مدل لگاریتم خطی برای هموار کردن داده‌های آزمون تولیمو فرم‌های X و Y در حجم نمونه مختلف

آزمون Y				آزمون X					
df	Residual	AIC	مدل	حجم نمونه	df	Residual	AIC	مدل	حجم نمونه
۲۲۲۲	۲۸۸/۰۳۱۶	۵۸۶/۱۳۵۲	اول	۲۰۰	۲۲۲۲	۵۵۳/۶۱۱۵	۹۰۷/۸۹۸۴	اول	۲۰۰
۲۲۲۰	۲۸۵/۹۸۱۹	۵۸۸/۰۸۵۴	دوم		۲۲۲۰	۵۵۳/۴۱۲۶	۹۱۱/۶۹۹۴	دوم	
۲۲۱۸	۲۸۲/۲۸۶۲	۵۸۸/۳۸۹۸	سوم		۲۲۱۸	۵۵۱/۲۱۳۷	۹۱۳/۵۰۰۶	سوم	
P=۰/۲۲	df=۴	$\chi^2=۵/۷۵$			P=۰/۶۶	df=۴	$\chi^2=۲/۴۰$		
۲۲۲۲	۱۰۴۰/۸۵۵	۱۵۹۰/۲۷۱	اول	۵۰۰	۲۲۲۲	۷۹۵/۵۵۶۳	۱۵۴۹/۹۵۷	اول	۵۰۰
۲۲۲۰	۳۹۶/۶۶۶۹	۹۵۰/۰۸۲۹	دوم		۲۲۲۰	۷۹۱/۹۹۶۳	۱۵۵۰/۳۹۷	دوم	
۲۲۱۸	۳۹۶/۵۸۲۳	۹۵۳/۹۹۸۴	سوم		۲۲۱۸	۷۹۱/۸۶۶۲	۱۵۵۴/۲۶۷	سوم	
P=۰/۱۱	df=۴	$\chi^2=۷/۵۱$			P=۰/۴۵	df=۴	$\chi^2=۳/۶۹$		
۲۲۲۰	۴۵۹/۷۳۰۵	۱۲۴۶/۹۶۵	اول	۱۰۰۰	۲۲۲۰	۹۹۸/۵۷۵۶	۲۱۶۸/۸۲۲	اول	۱۰۰۰
۲۲۲۰	۴۵۸/۷۵۷۸	۱۲۴۹/۹۹۳	دوم		۲۲۲۰	۹۹۷/۲۵۵۳	۲۱۷۱/۵۰۲	دوم	
۲۲۱۸	۴۵۳/۱۱۱۷	۱۲۴۸/۳۴۶	سوم		۲۲۱۸	۹۹۷/۰۸۰۱	۲۱۷۵/۳۲۷	سوم	
P=۰/۱۶	df=۴	$\chi^2=۶/۶۲$			P=۰/۸۳	df=۴	$\chi^2=۱/۵۰$		

بر اساس اطلاعات جدول بالا مشاهده می‌شود که شاخص AIC و مقدار Residual در سه مدل گزارش شده است.

بر اساس توضیحات مربوط به AIC می‌توان گفت که مدلی که کمترین مقدار AIC و Residual را داشته باشد برآزش بهتری دارد. ولی با توجه به نتایج جدول در مدل اول شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص Residual کمتر است. به همین دلیل از آزمون تفاوت خی دو بین دو مدل کمک گرفته شده است. بر اساس نتایج آزمون تفاوت خی دو بین دو مدل اول و سوم می‌توان دید که آزمون تفاوت خی دوی بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی - چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب می‌شود و در حجم نمونه ۲۰۰ نفری بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم X) است. در نمونه ۵۰۰ نفری مشاهده می‌شود که در مدل اول شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص Residual کمتر است. هرچند بر اساس توضیحات قبل، مدلی که کمترین مقدار AIC و Residual را داشته باشد برآزش بهتری دارد. بر اساس نتایج آزمون تفاوت خی دو بین دو مدل اول و سوم آزمون تفاوت خی دوی بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب می‌شود و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم X) است. به همین ترتیب در حجم نمونه ۱۰۰۰ نفری، در مدل اول شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص Residual کمتر است. بر اساس نتایج آزمون تفاوت خی دو بین دو مدل اول و سوم آزمون تفاوت خی دوی بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب می‌شود و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم X)، مدل اول است.

آزمون Y. با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌شود که در مدل اول شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص Residual کمتر است. بر همین اساس، از آزمون تفاوت خی دو بین دو

مدل برای تشخیص بهترین مدل کمک گرفته شده است. بر اساس نتایج آزمون تفاوت خی‌دو بین دو مدل اول و سوم، آزمون تفاوت خی‌دو بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب می‌شود و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم Y)، در حجم نمونه ۲۰۰ نفر مدل اول است. در نمونه ۵۰۰ نفری مشاهده می‌شود که در مدل دوم شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص $Residual$ کمتر است. هرچند بر اساس توضیحات قبل، مدلی که کمترین مقدار AIC و $Residual$ را داشته باشد برارزش بهتری دارد. بر اساس نتایج آزمون تفاوت خی‌دو بین دو مدل دوم و سوم می‌توان دید که آزمون تفاوت خی‌دو بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل دوم (مدل لگاریتم خطی شامل چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب می‌شود و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم Y) در حجم نمونه ۵۰۰ نفر است. به همین ترتیب در حجم نمونه ۱۰۰۰ نفری، در مدل اول شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص $Residual$ کمتر است. بر اساس نتایج آزمون تفاوت خی‌دو بین دو مدل اول و سوم مشاهده می‌شود که آزمون تفاوت خی‌دو بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب می‌شود و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم Y) برای حجم نمونه ۱۰۰۰ نفر، مدل اول است.

ب) آزمون جامع سنجش. برای پاسخگویی به این سؤال پژوهش در داده‌های آزمون جامع سنجش (دروس عمومی) از مدل‌های لگاریتم خطی برای طرح گروه‌های همسان انتخاب و استفاده شد. این مدل‌ها شامل سه مدل به شرح زیر بوده است:

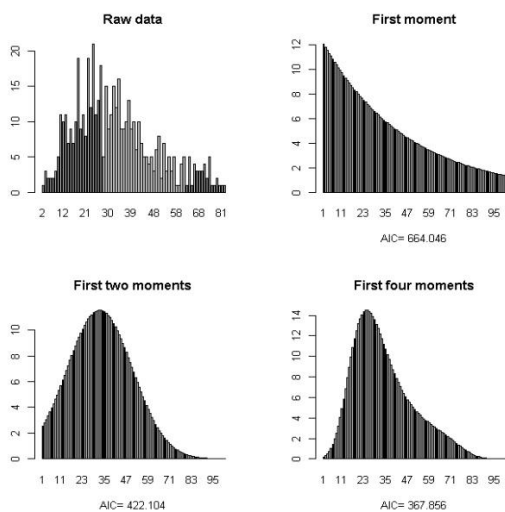
مدل اول: مدل لگاریتم خطی تنها شامل میانگین (گشتاور اول)

مدل دوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین و واریانس (دو گشتاور اول)

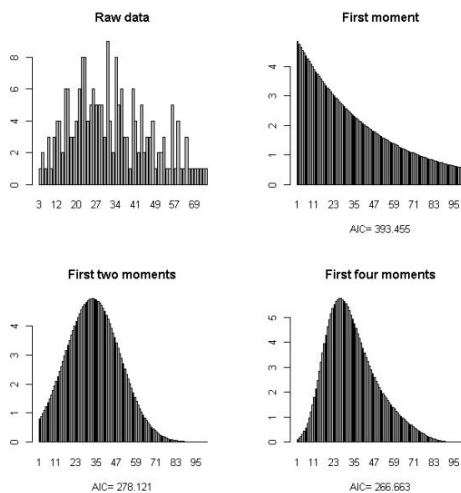
مدل سوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار

گشتاور اول)

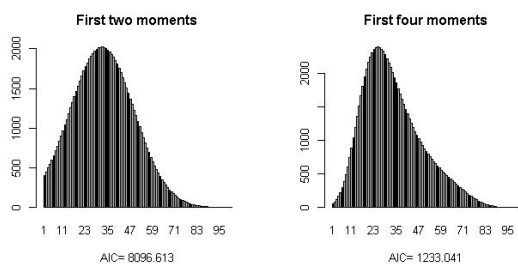
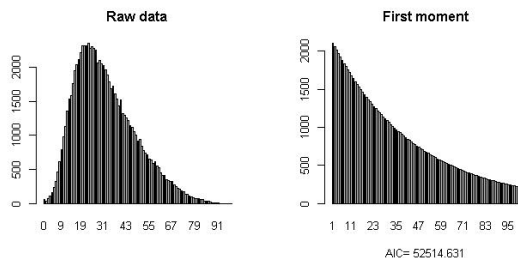
در این داده‌ها به دلیل عدم وجود آزمون لنگر امکان ترسیم نمودار برای طرح گروه‌های یکسان وجود دارد، بنابراین در ادامه فقط نمودارها و شاخص برازش AIC گزارش شده است. در شکل زیر نمودارهای مربوط به آزمون سوم جامع سنجش برای نمونه‌های مختلف ۲۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰ نفری (فرم X) ارائه شده است:



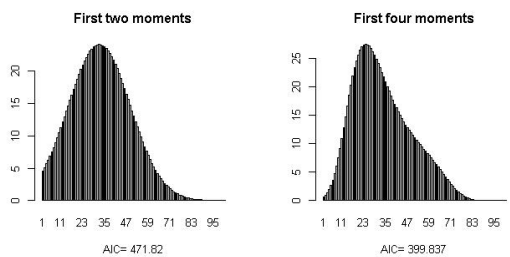
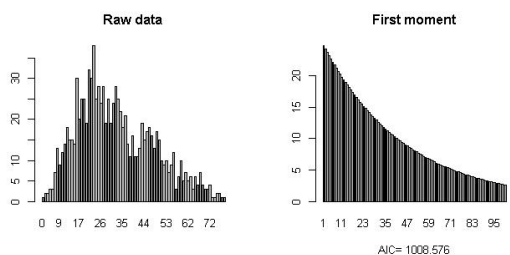
داده‌های آزمون جامع سنجش فرم X در حجم نمونه ۵۰۰ نفر



داده‌های آزمون جامع سنجش فرم X در حجم نمونه ۲۰۰ نفر



داده‌های آزمون جامع سنجش فرم X برای کل حجم نمونه

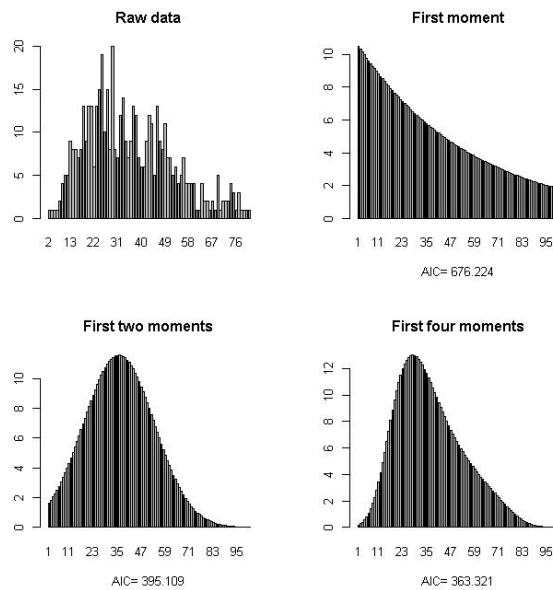


داده‌های آزمون جامع سنجش فرم X در حجم نمونه ۱۰۰۰ نفر

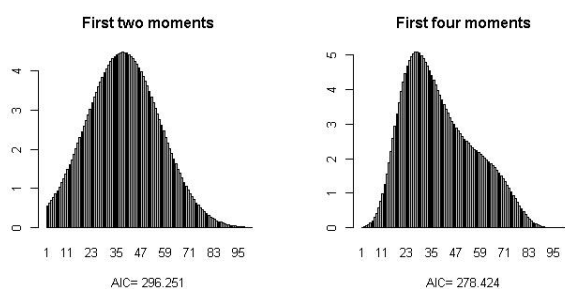
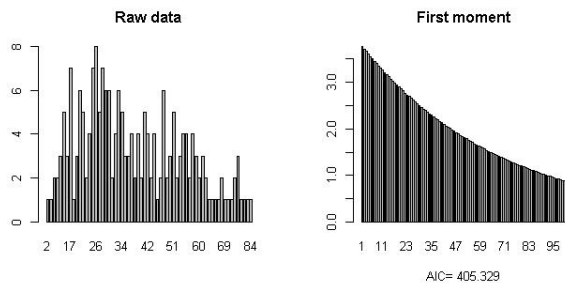
شکل ۱. نمودارهای برازش سه مدل لگاریتم خطی برای هموار کردن داده‌های آزمون جامع سنجش فرم X در حجم نمونه‌های مختلف

با توجه به نمودار داده‌های خام و سه نمودار مربوط به سه مدل موردنظر می‌توان مشاهده کرد که برای داده‌های این آزمون با حجم‌های مختلف ۲۰۰ نفری، ۵۰۰ نفری، ۱۰۰۰ نفری و حتی کل حجم نمونه بهترین مدل، مدل سوم است، چون مدلی که کمترین مقدار AIC را داشته باشد برازش بهتری دارد؛ بنابراین مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۲۶۶/۶۶۳ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است. در نمونه ۵۰۰ نفری مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۳۶۷/۸۵۶ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است؛ در نمونه ۱۰۰۰ نفری مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۳۹۹/۸۳۷ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است؛ و با کل حجم نمونه مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۱۲۳۳/۰۴۱ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است.

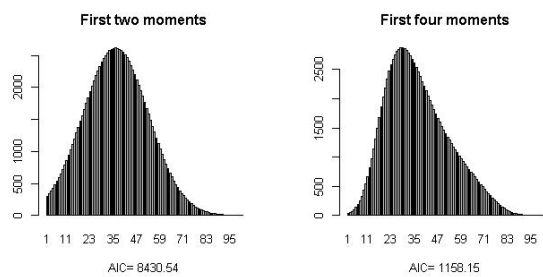
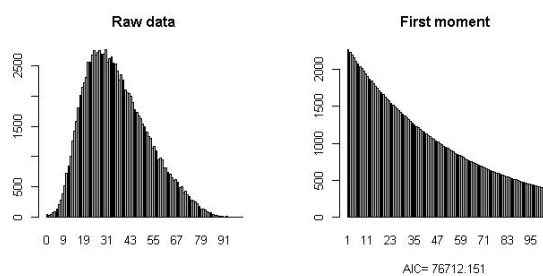
در شکل زیر نمودارهای مربوط به آزمون سوم جامع سنجش برای نمونه‌های مختلف ۲۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰ نفری (فرم Y) ارائه شده است:



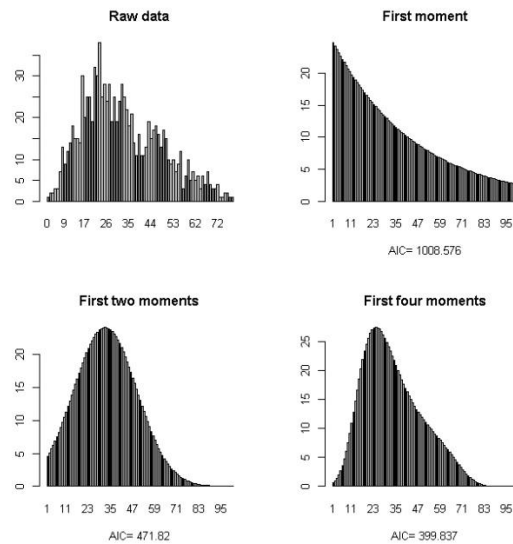
داده‌های آزمون جامع سنجش فرم Y در حجم نمونه ۵۰۰ نفر



داده‌های آزمون جامع سنجش فرم γ در حجم نمونه ۲۰۰ نفر



داده‌های آزمون جامع سنجش فرم γ برای کل حجم نمونه



داده‌های آزمون جامع سنجش فرم Y در حجم نمونه ۱۰۰۰ نفر

شکل ۲. نمودارهای برازش سه مدل لگاریتم خطی برای هموار کردن داده‌های آزمون جامع سنجش فرم Y در حجم نمونه‌های مختلف

با توجه به نمودار داده‌های خام و سه نمودار مربوط به سه مدل موردنظر می‌توان مشاهده کرد که برای داده‌های این آزمون با حجم‌های مختلف ۲۰۰ نفری، ۵۰۰ نفری، ۱۰۰۰ نفری و حتی کل حجم نمونه بهترین مدل، مدل سوم است، چون مدلی که کمترین مقدار AIC را داشته باشد برازش بهتری دارد؛ بنابراین در نمونه ۲۰۰ نفری مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۲۷۸/۴۲۴ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است؛ در نمونه ۵۰۰ نفری مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۳۶۳/۳۲۱ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است؛ در نمونه ۱۰۰۰ نفری مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۳۹۹/۸۳۷ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است؛ و با کل حجم نمونه مدل سوم با مقدار AIC برابر با ۱۱۵۸/۱۵ بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها است. از این رو به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که برای داده‌های آزمون سنجش مدل سوم بهترین مدل برای هموارسازی داده‌ها است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر الگوی لگاریتم خطی مورد استفاده در پیش هموارسازی بر روی نتایج همتراز سازی کرنل بود. به هنگام پیش هموارسازی، برنامه همترازسازی کرنل در نرم‌افزار R برون داده‌های AIC (ملاک آگاهی آکائیک) را فراهم می‌نماید. این اطلاعات می‌تواند به کاربر یا پژوهشگر برای تصمیم‌گیری در رابطه با انتخاب مدل لگاریتم خطی برای این مرحله کمک نماید. بدیهی است چنانچه مدل انتخاب شده تفاوت اندک یا هیچ تفاوتی را در نتایج همتراز سازی ایجاد نکند پس فرآیند انتخاب مدل می‌تواند نامربوط و یا ناکارآمد باشد.

برای پاسخگویی به این سؤال پژوهش در داده‌های آزمون تولیمو از مدل‌های لگاریتم خطی برای طرح گروه‌های ناهمسان با آزمون لنگر (داده‌های تولیمو) انتخاب و استفاده شد. این مدل‌ها شامل سه مدل به شرح زیر بوده است:

مدل اول: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول) برای آزمون و لنگر

مدل دوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول) برای آزمون و لنگر و فرض تعامل بین میانگین‌های آزمون و لنگر و تعامل بین واریانس‌های آزمون و لنگر

مدل سوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول) برای آزمون و لنگر و تمام تعامل‌های ممکن بین میانگین و واریانس آزمون و لنگر (در این مدل بین میانگین‌ها و واریانس‌ها هم تعامل وجود دارد).

به‌طور کلی باید اشاره کرد که روش‌های ارزیابی مدل بسیار پیچیده است، چون نیازمند تعادل بین چندین ملاک مرتبط شامل کفایت توصیفی و اکتشافی^۱، عمومیت^۲، سادگی و ابطال‌پذیری^۳ است (جاکوبس و گراینگر^۴، ۱۹۹۴، نقل از لئو و آیتکین، ۲۰۰۸). در ادبیات

1. descriptive and exploratory adequacy
2. Generality
3. Falsifiability
4. Jacobs & Grainger

مدل و مدل‌سازی به تعمیم‌پذیری مدل^۱ توجه ویژه‌ای شده است. امساگ‌گری^۲ یا همان سادگی مدل مسئله‌ای است که همیشه مطلوب محققان بوده است. مهم‌ترین چالش فرضیه آزمایی یا انتخاب مدل، مشخص کردن مدلی است که عملکرد پیش‌بینی بهتری داشته باشد. (مایونگ، فورستر، و براون^۳، ۲۰۰۰؛ واگنیکرز و والدورپ^۴، ۲۰۰۶). مدل‌های پیچیده‌تر نسبت به مدل‌های ساده‌تر عموماً برآزش بهتری با داده‌های مشاهده‌شده دارند و به همین دلیل باید از انتخاب مدل‌هایی که شاخص برآزش^۵ بهتری دارند اجتناب کرد، چون این اقدام منجر به بیش‌برآزش^۶ خواهد شد. انتخاب مدل شامل مقایسه دو یا چند مدل است که هر یک از این مدل‌ها نمایانگر نظریه‌های مختلف درباره واقعیت است و تصمیم درباره اینکه کدام‌یک از این مدل‌ها بهترین توصیف از داده‌های موجود هستند. رویکرد غالب در انتخاب مدل در علوم رفتاری و اجتماعی، رویکرد آزمون فرضیه صفر^۷ (NHST) است. این رویکرد در طی سال‌ها با انتقادات زیادی هم از لحاظ کاربردی و هم از لحاظ فلسفی مواجه شده است (واگنیکرز^۸، ۲۰۰۷). برخی از برجسته‌ترین محدودیت‌های عملی استفاده از رویکرد NHST برای انتخاب مدل از قرار زیر است: محدودیت این رویکرد برای مقایسه دو مدل؛ نیاز به اینکه این دو مدل آشیانه‌ای باشند؛ و عدم امکان یافتن شواهد برای مدل صفر. یک رویکرد جایگزین برای انتخاب مدل که با این محدودیت‌ها نیز همراه نباشد توسط آکائیک (۱۹۷۴) مطرح شد که به ملاک آگاهی آکائیک^۹ (AIC) مشهور

-
1. Model generalizability
 2. Parsimony
 3. Myung, Forster, & Browne
 4. Wagenmakers & Waldorp
 5. Goodness of fit
 6. Overfitting
 7. Null hypothesis significance testing (NHST)
 8. Wagenmakers
 9. Akaike Information Criterion (AIC)

شد^۱. بر اساس شاخص AIC می‌توان گفت که مدلی که کمترین مقدار AIC و Residual را داشته باشد برآزش بهتری دارد.

با توجه به اعداد گزارش شده در جداول مربوط دیده شد که در مدل اول شاخص AIC کمتر و در مدل سوم شاخص Residual کمتر است. بر همین مبنا به کمک نتایج آزمون تفاوت خی دو بین دو مدل اول و سوم ملاحظه شد که آزمون تفاوت خی دوی بین دو مدل معنادار نیست ($P > 0.05$). لذا مدل اول (مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی - چهار گشتاور اول برای آزمون و لنگر) که ساده‌تر است انتخاب شد و بهترین مدل برای هموارسازی داده‌های آزمون تولیمو (فرم X) در سه حجم نمونه ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری مدل اول به دست آمد. به همین ترتیب، در فرم Y آزمون تولیمو در حجم نمونه ۲۰۰ و ۱۰۰۰ نفر بهترین مدل، مدل اول و در حجم نمونه ۵۰۰ نفر مدل دوم برگزیده شد.

برای پاسخگویی به این سؤال پژوهش در داده‌های آزمون جامع سنجش (دروس عمومی) از مدل‌های لگاریتم خطی برای طرح گروه‌های همسان انتخاب و استفاده شد. این مدل‌ها شامل سه مدل به شرح زیر بوده است:

مدل اول: مدل لگاریتم خطی تنها شامل میانگین (گشتاور اول)

مدل دوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین و واریانس (دو گشتاور اول)

مدل سوم: مدل لگاریتم خطی شامل میانگین، واریانس، چولگی و کشیدگی (چهار گشتاور اول)

با توجه به نمودار داده‌های خام و سه نمودار مربوط به سه مدل موردنظر مشاهده شد که برای داده‌های آزمون سنجش (هم فرم X و هم فرم Y) در حجم‌های نمونه مختلف ۲۰۰،

۱. چندی بعد از معرفی AIC، ملاک آگاهی بیزی (BIC) توسط شوارز (۱۹۷۸) مطرح شد که به ملاک آگاهی شوارز (SIC) نیز مشهور است. با اینکه BIC شباهت زیادی به AIC دارد ولی این دو شاخص دو ریشه کاملاً متفاوت دارند: AIC در چارچوب «نظریه آگاهی» مطرح شده است ولی مبنای BIC احتمال پسین مدل است که اساساً یک مفهوم بیزی است.

۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفری بهترین مدل، مدل سوم است چون مدلی که کمترین مقدار AIC را داشته باشد برآزش بهتری دارد؛ بنابراین مدل سوم بهترین مدل برای هموارسازی این مجموعه داده‌ها انتخاب شد.

به‌طور کلی باید یادآوری کرد که ملاک‌های آگاهی بر مبنای این ایده به وجود آمده‌اند که مدل‌ها تقریبی از واقعیت هستند؛ بنابراین موضوع، یافتن یک «مدل درست» نیست بلکه مسئله اصلی یافتن بهترین مدل تقریبی از بین مجموعه مدل‌های موردنظر است (برنهام و اندرسون^۱، ۲۰۰۴). در این رابطه مدل‌هایی که کمیت AIC در آن‌ها کوچک‌تر باشد، مدل‌های بهتری هستند. زمانی که دو یا چند مدل تقریباً دارای مقدار یکسان ملاک آگاهی هستند، این مدل‌ها همه به‌طور مساوی خوب هستند. در این صورت به‌جای انتخاب بهترین مدل منفرد، می‌توان مجموعه کوچکی از مدل‌های معقول را انتخاب کرد.

درنهایت با توجه به نمودارها و جداول گزارش‌شده و نتایج حاصل می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که مدل‌های لگاریتم خطی نه‌تنها برای همتراز سازی کرنل سودمند هستند، بلکه احتمالاً در سایر همترازسازی‌های معادل درصدی نمره مشاهده‌شده نیز سودمند هستند. از آنجا که داده‌های مورد تحلیل در اینجا واقعی هستند، بنابراین ملاحظات مربوط به خطا و اشتباه و نظایر آن در نتیجه نهایی اعمال شده است.

منابع

- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه.
- لرد، فردریک (۱۹۸۰). کاربردهای نظریه سؤال-پاسخ. ترجمه دلاور، علی و یونسی، جلیل. انتشارات رشد.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۰). اندازه‌گیری‌های روانی و تربیتی و فن تهیه تست. تهران: نشر پارسا.
- Akaike, H. (1974). A new look at the statistical model identification. *Automatic Control, IEEE Transactions on*, 19(6), 716-723.
- Anastasi, A., & Urbina, S. (1997). *Psychological testing* (7th ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Burnham, K. P., & Anderson, D. R. (2004). Multimodel inference understanding AIC and BIC in model selection. *Sociological methods & research*, 33(2), 261-304.
- Cui, Z. (2006). *Two new alternative smoothing methods in equating: the cubic B-spline presmoothing method and the direct presmoothing*. Unpublished doctoral dissertation, University of Iowa, Iowa City, Iowa.
- Cui, Z., & Kolen, M. J. (2008). Comparison of parametric and nonparametric bootstrap methods for estimating random error in equipercentile equating. *Applied Psychological Measurement*, 32(4), 334-347
- Cui, Z., & Kolen, M. J. (2009). Evaluation of two new smoothing methods in equating: the cubic B-spline presmoothing method and the direct presmoothing method. *Journal of Educational Measurement*, 2009, 46(2), 135-158.
- Fairbank, B. A. (1987). The use of presmoothing and posts smoothing to increase the precision of equipercentile equating. *Applied Psychological Measurement*. 11(3), 245-262.
- Godfrey, K. E. (2007). *A comparison of Kernel equating and IRT true score equating methods*. Unpublished doctoral dissertation, University of North Carolina, Greensboro. Retrieved from ProQuest. (AAT 3273329).
- Haberman, S. J. (1974b). Log-linear models for frequency tables with ordered classifications. *Biometrics*, 30, 589-600.

- Hanson, B. A. (1990). *An investigation of methods for improving estimation of test score distributions*. (ACT Research Report 90-4). Iowa City, IA: American College Testing.
- Hanson, B. A. (1991). A comparison of bivariate smoothing methods in common-item equipercentile equating. *Applied Psychological Measurement*, 15(4), 391-408.
- Hanson, B. A. (1996). Testing for differences in test score distributions using loglinear models. *Applied Measurement in Education*, 9(4), 305-321.
- Hanson, B. A., Zeng, L., & Colton, D. (1994). *A comparison of presmoothing and postsmoothing methods in equipercentile equating*. ACT Research Report 94-4. Iowa City, IA: American College Testing.
- Holland, P. W. & Thayer, D. T. (1981). *Section pre-equating: The Graduate Record Examination*. Program Statistics Research Technical Report No. 81-13, Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Holland, P. W. & Thayer, D. T. (2000). Univariate and bivariate loglinear models for discrete test score distributions. *Journal of Educational and Behavioral Statistics*, 25(2), 133-183.
- Kolen, M. J. & Brennan, R. L. (2004). *Test Equating Methods and Practices*. New York: Springer-Verlag.
- Kolen, M. J. (1984). Effectiveness of analytic smoothing in equipercentile equating. *Journal of Educational Statistics*, 9(1), 25-44.
- Kolen, M. J. (1991). Smoothing methods for estimating test score distributions. *Journal of Educational Measurement*, 28(3), 257-272.
- Kolen, M. J., & Jarjoura, D. (1987). Analytic smoothing for equipercentile equating under the common item nonequivalent populations design. *Psychometrika*, 52(1), 43-59.
- Liu, C. C., & Aitkin, M. (2008). Bayes factors: Prior sensitivity and model generalizability. *Journal of Mathematical Psychology*, 52, 362-375.
- Livingston, S. A. (1993). *An empirical tryout of Kernel equating* (ETS RR-93-33). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Lord, F. M., (1965). A strong true score theory with applications. *Psychometrika*, 30, 239-270.
- Millman, J., & Greene, J. (1989). The specification and development of tests of achievement and ability.
- Moses, T., & Holland, P. (2007). *Kernel and traditional equipercentile equating with degrees of presmoothing* (ETS RR-07-15). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Moses, T., & Holland, P. W. (2009a). *Selection strategies for bivariate loglinear smoothing models and their effects on NEAT equating functions*. (Technical Report 09-04). Princeton, NJ: Educational Testing Service.

- Moses, T., & Holland, P. W. (2010). The effects of selection strategies for bivariate loglinear smoothing models on NEAT equating functions. *Journal of Educational Measurement*, 47(1), 76-91.
- Moses, T., & von Davier, A. A. (2006). *A SAS Macro for loglinear smoothing: applications and implications*. (Technical Report 06-05). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Myung, I. J., Forster, M. R., & Browne, M. W. (2000). Model selection [Special issue]. *Journal of Mathematical Psychology*, 44(1-2).
- R Development Core Team (2010). *R: A language and environment for statistical computing*. R Foundation for Statistical Computing, Vienna, Austria. ISBN 3-900051-07-0, URL <http://www.R-project.org>.
- Thissen, D. M. (2003). *MULTILOG for Windows (version 7.0.2327.3)*. Scientific Software International, Inc.
- Tong, Y., & Kolen, M. (2005). Assessing equating results on different equating criteria. *Applied Psychological Measurement*, 29 (6), 418-432.
- Wagenmakers, E. J. (2007). A practical solution to the pervasive problem of p-values. *Psychonomic Bulletin & Review*, 14, 779-804.
- Wagenmakers, E.-J., & Waldorp, L. (2006). Model selection: Theoretical developments and applications [Special issue]. *Journal of Mathematical Psychology*, 50(2).
- Zeng, L. (1995). The optimal degree of smoothing in equipercentile equating with postsmoothing. *Applied Psychological Measurement*, 19(2), 177-190.
- Zimowski, M. F., Muraki, E., Mislevy, R. J., and Bock, R. D. (2003). *BILOG MG: Multiple-Group IRT Analysis and Test Maintenance for Binary Items* [computer software]. Chicago, IL: Scientific Software International.